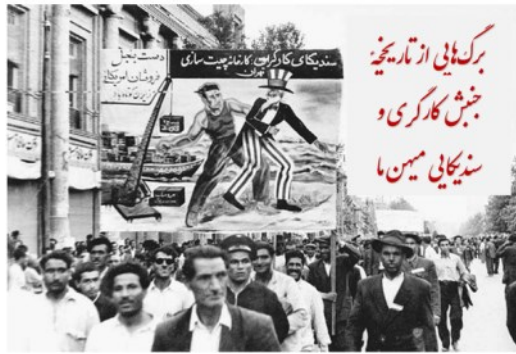


پویه پیدایش سندیکاهاى کارگری در ایران - بخش چهاردهم

سرکوب و برخورد خشن ارتجاع مانع تداوم جنبش نگردید. مبارزه اتحادیه‌ها و سندیکاها ادامه یافت. رضاشاه و محافل حکومتی که از موج اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری وحشت‌زده شده بودند به وضع قوانینی جدید علیه کارگران و جنبش کارگری دست زدند. در روز دهم خردادماه ۱۳۱۰، قانون ننگین و ضد



کمونستی ممنوعیت مرام اشتراکی به فرمان رضاشاه در مجلس به تصویب رسید. براساس این قانون فعالیت‌های کمونستی یا محکومیت ۱۰ ساله زندان توأم با کار روبه‌رو بود. در سال ۱۳۱۵ نیز آیین‌نامه‌ای تحت عنوان: "حفظ نظم در کارخانه‌ها" به تصویب رسید که بر اساس آن هرگونه اعتصاب در کارخانه‌ها اکیداً ممنوع شد. با چنین اعمال فشاری جنبش کارگری و سندیکایی و فعالیت‌های حزب

کمونست ایران به شدت مورد پیگرد قرار گرفت. خطوط عمده فعالیت‌های **ادامه در صفحه ۳**

نامه
ضمیمه
کارگری
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۸۰، ۱۱ دی ۱۴۰۲



تأملی کوتاه بر اعتصاب کارگران ذوب‌آهن و اهمیت آن

اعتصاب کوتاه‌مدت کارگران ذوب‌آهن از مهم‌ترین رخدادهای مرتبط با جنبش مردمی در چند هفته اخیر بود. کارگران ذوب‌آهن اصفهان برای اعتراض به وضعیت حقوق و دستمزد خود و پس از گذشت سال‌ها از عدم اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل توسط مسئولین، در مقابل ساختمان مدیریت این مجموعه تجمع کردند. از آن

جایی که اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در دستمزدهای دریافتی کارگران ذوب‌آهن تأثیرگذار است برای آنان از اهمیتی به‌سزا برخوردار است. خواست کارگران ذوب‌آهن برای تجدیدنظر در طرح طبقه‌بندی مشاغل با وجود سودآوری قابل توجه ذوب‌آهن اصفهان مدت‌ها است که مورد توجه جدی مسئولین قرار نگرفته است. در ادامه تجمع و اعتراض کارگران ذوب‌آهن، پس از فقط یک روز در ۱۲ آذرماه نیروهای یگان ویژه برای سرکوب کارگران وارد محوطه ذوب‌آهن شدند و عده‌ای از کارگران معترض را بازداشت کردند. قبل از این نیز در ۶ اسفندماه سال ۱۴۰۱ کارگران ذوب‌آهن ضمن اعتراض و بیان همین خواست‌ها که شامل افزایش دستمزد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، و توقف برنامه آزادسازی اقتصادی است، دست به اعتصاب زده بودند. پاسخ مسئولین در آن زمان هم بدون کوچک‌ترین درنگ، دستگیری ده‌ها تن از کارگران به‌وسیله نیروهای امنیتی رژیم بود. این بار نیز در آذرماه ۱۴۰۲ کارگران ذوب‌آهن ضمن اعتراض به این حرکت ضد کارگری رژیم ولایت فقیه بار دیگر بر ضرورت رسیدگی به خواست‌های صنفی خود درمورد اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، و پرداخت دستمزد متناسب با طبقه‌بندی صحیح مشاغل کارگران، همسان سازی دستمزد ها با سایر صنایع فولاد، و به‌رسمیت شناختن حق ایجاد شورای کارگری که خواستی قانونی است، تأکید دارند. شواهد امر نشان می‌دهد که کارگران ذوب‌آهن مدت‌ها است که خواست‌های صنفی‌شان را بدون دریافت هیچ پاسخ منطقی مطرح می‌کنند و طی تجربه پیگیری خواست‌های‌شان به ماهیت ضد کارگری حکومت جمهوری اسلامی و اهمیت برخورداری از حقوق سندیکایی به‌عنوان ابزار اصلی رسیدن به خواست‌های‌شان پی برده‌اند. حرکت‌های اعتراضی چندباره کارگران ذوب‌آهن نشان می‌دهد که مدیریت ذوب‌آهن و مسئولان رژیم علی‌رغم داشتن فرصت‌های متعدد در مورد هیچ‌کدام از خواست‌های آنان پاسخگو نبوده‌اند و در مقابل، حرکت‌های سرکوبگرانه و ضرب و شتم کارگران ذوب‌آهن نشانه آن است که نه فقط مدیریت ذوب‌آهن، بلکه سران نظام و دستگاه‌های امنیتی در ترس دائم از واکنش کارگران و زحمتکشان به‌سر می‌برند. در شرایطی که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما هرچه بیشتر با فشارهای شدید اقتصادی و معیشتی مواجه هستند، اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در صنایع کلیدی و سودآور ازجمله ذوب آهن اصفهان بخش عمده‌ای از مبارزات عمدتاً صنفی زحمتکشان در تمام بخش‌های صنعتی است. در نتیجه ناتوانی رژیم ولایت فقیه از حل معضله‌های اقتصادی و پاسخگویی به مطالبات صنفی - معیشتی طبقه کارگر و زحمتکشان، و توسل به سرکوب اعتراض‌ها، بدیهی است که این اعتراض‌ها ادامه خواهند داشت و همراه با ترکیب مبارزات صنفی و سیاسی و در پیوند با مبارزه برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، در کنار جنبش مردمی و روبرویی با رژیم ولایت فقیه قرار خواهند گرفت. از این زاویه است که می‌باید اهمیت اعتصاب کارگران ذوب‌آهن و دیگر رشته‌های راهبردی را مورد توجه قرار داد.

لایحه بودجه سال آینده، فشار بیشتر به معیشت زحمتکشان و سال اهمیت تشدید مبارزه است

مجلس کلیات لایحه اصلاحیه بودجه سال ۱۴۰۳ را با ۱۵۴ رأی موافق، ۶۰ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع به تصویب رساند. مجلس پیش از این کلیات این لایحه بودجه را رد کرده بود. تحول‌های صحنه سیاسی و گسترش اعتراض و اعتصاب‌های کارگری همراه با ناراضیاتی‌های ژرف اجتماعی هراس و نگرانی سران رژیم را برانگیخته است. رد و سپس تصویب کلیات لایحه اصلاحیه بودجه سال آینده حرکتی در میانه کشمکش جناح‌های حکومتی بر سر سهم بیشتر از غارت ثروت ملی و چگونگی اجرای برنامه راهبردی حفظ نظام ارزیابی می‌شود.

کلیات اصلاحیه لایحه بودجه به‌لحاظ ماهیت و مضمون با کلیات قبلی که در مجلس رد شده بود تفاوتی ندارد. یک روز پیش از تصویب اصلاحیه کلیات لایحه خاندوزی، سخنگوی اقتصادی دولت، با تأکید یادآوری کرد ساختار اقتصادی اصلاح می‌شود. افزایش مستمری بازنشستگان در لایحه اصلاحیه مشروط به افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده است. به‌علاوه، در متن اصلاحیه لایحه بودجه، سقف افزایش دستمزدها برای سال آینده ۱۸ درصد **ادامه در صفحه ۲**

پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایتی، تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

آزادی فوری و بدون قید و شرط برای همه فعالان کارگری!



دستگاه‌های عریض و طولیل خودی از پرداخت مالیات معاف هستند بیانگر اولویت‌ها و سیاست‌های ضد مردمی و ضد کارگری دولت رئیسی و حکومت جمهوری اسلامی است. بنا بر آمار موجود بیش از صد نهاد و بنیاد وابسته به رژیم ولایت فقیه که با بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی فعالیت می‌کنند از پرداخت مالیات معاف هستند. در آذرماه سال ۱۴۰۲، سازمان امور مالیاتی کشور اسامی بنیادها و نهادهایی که مشمول قانون مالیات نیستند را اعلام کرد. در این لیست اسامی بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، کمیته امداد امام، سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، و بسیاری دیگر به چشم می‌خورند. بنیاد مستضعفان با مالکیت در حدود بیش از ۲۰۰ شرکت و هلدینگ، پس از شرکت ملی نفت بزرگ‌ترین نهاد اقتصادی ایران است که با مجوز معافیت از شخص علی‌خامنه‌ای از شمول پرداخت مالیات‌های موضوع قانون مالیات‌های مستقیم خارج گردیده است.

می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سیاست‌های مالیاتی و آزادسازی دستمزدها همراه با سایر سیاست‌های ویرانگر نولیبرالی سرمایه‌داری مانند خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، انعطاف‌پذیری بازار کار از طریق تغییرات در قانون کار، خصوصی‌سازی آموزش و بهداشت، بخشی از برنامه‌های رژیم ولایت فقیه به‌منظور تأمین امنیت سرمایه برای تکیه‌گاه اصلی‌اش یعنی کلان‌سرمایه‌دارهای مالی-تجاری و همه و همه در راه برنامه راهبردی اقتصادی اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی به‌منظور بقای حاکمیتش است.

مبارزه با بورژوازی رژیم ولایت فقیه به منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در گرو اتحاد عمل همه زحمتکشان بدی و فکری است. در پی خیزش‌های مردمی دی‌ماه ۹۶، آبان‌ماه ۹۸ و خیزش "زن، زندگی، آزادی" که با سرکوب خونین رژیم رو به رو شد، و شرایطی که پیامد آن فشارهای اقتصادی و معیشتی برای زحمتکشان بوده است، اعتصاب‌ها و تجمع‌های نفتگران، کارگران و کارکنان ذوب آهن، فرهنگیان، پرستاران، و بازنشستگان، نمایانگر قدرت نهفته طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و بدی و لزوم اتحاد و استقلال عمل طبقاتی آنان در مقابل رژیم ولایت فقیه و دستگاه‌های سرکوب آن است. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با مبارزه برای دستیابی به حقوق سندیکایی‌شان و تلفیق مبارزه صنفی با مبارزه سیاسی می‌توانند در مبارزه با دیکتاتوری حاکم و ایجاد شرایط اجتماعی-اقتصادی به نفع اکثریت مردم و جلوگیری از مداخله امپریالیسم در مین ما و نیل به استقلال ملی، آزادی‌های دموکراتیک، و عدالت اجتماعی نقش اساسی داشته باشند.

ادامه لایحه بودجه سال آینده، فشار...

تعیین گردیده است. بی‌دلیل نبود که قالیباف پس از تصویب کلیات لایحه اصلاحیه بودجه اعلام کرد: "جهت‌گیری‌ها و تصمیمات ما باید در مسیر برنامه هفتم توسعه باشد. از سوی دیگر سیاست‌های کلان ابلاغ شده است" (ایسنا، ۲۹ آذرماه، ۱۴۰۲).

این جهت‌گیری‌ها و تصمیمات چیست و چگونه منافع آبی و آبی طبقه کارگر و زحمتکشان را زیر تأثیر مخربش قرار می‌دهد؟ نخست اشاره کنیم تنها واقعیتی که در نتیجه بررسی کلیات لایحه اصلاحیه بودجه سال ۱۴۰۳ همراه با ماده ۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم و تبصره ۱ این ماده، تبصره‌ای که بر اساس آن مالیات بر حقوق را جزو مالیات‌های تکلیفی محسوب می‌کند، به‌دست می‌آید. ادامه افزایش فشارهای اقتصادی و معیشتی برای طبقه کارگر و دیگر لایه‌های زحمتکشان میهن ما است.

همانند بسیاری از برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی ضد کارگری رژیم ولایتی، اصلاحیه کلیات بودجه سال ۱۴۰۳ و سیاست ویرانگر اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم، فشارهای معیشتی را بیش از پیش متوجه زحمتکشان و به‌خصوص طبقه کارگر میهن ما کرده است. در شرایطی که نرخ تورم بیش از ۴۰ درصد است، افزایش ضریب حقوق همه گروه‌های حقوق بگیر ۱۸ درصد و حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق‌های بازنشستگی نیز به‌همان میزان ۱۸ درصد همراه با یک سقف خالص پرداختی ۶۵ میلیون تومان تعیین شده است.

در موارد متعدد دیگری نیز بررسی‌ای اجمالی نشان می‌دهد فرض‌هایی که از طرف دولت و مجلس در مورد درآمدها منظور شده‌اند، هیچ‌گونه قربانی با واقعیات ندارند. در اصلاحیه لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ شاهد افزایش سقف معافیت مالیاتی به ۱۲ میلیون تومان هستیم. درحالی که سبد هزینه معیشت ماهانه برای یک خانواده ۳۰ میلیون تومان در تهران و ۲۵ میلیون تومان در شهرستان‌ها می‌باشد، این سیاست‌های مالیاتی بدان معنی است که حتی کارگری که فقط ۱۴ میلیون تومان در ماه درآمد دارد، یعنی کم‌تر از نیمی از هزینه سبد معیشت، باید طبق سیستم مالیات پله‌ای ۴۰۰ هزار تومان از درآمد ناچیزش را بابت مالیات پرداخت کند. منطقی است که حداقل دستمزدها کم‌تر از هزینه سبد معیشت نباشد، و در هر صورت مالیات از این درآمد ناچیز هم کسر نشود. ولی واقعیت کلیات اصلاحیه بودجه سال ۱۴۰۳ خلاف آن را نشان می‌دهد: علاوه بر آن، برای این که یک کارگر دستمزدی معادل هزینه سبد معیشت، یعنی یک درآمد بخور و نمیر داشته باشد، باید دست‌کم نزدیک به ۴ میلیون تومان از یک دستمزد ۳۴ میلیون تومانی خود را به عنوان مالیات به دولت ولایت فقیه پرداخت کند تا بتواند فقط در حد بسیار محدودی بخشی از نیازهای زندگی خود و خانواده‌اش را تهیه کند. این گونه است که نظام ضد کارگری ولایت فقیه عملاً به‌جای اخذ مالیات از درآمد و سودهای هنگفت سرمایه‌داران تجاری، نهادها، و بنیادهای انگلی بی‌شمار خودی و وابسته به ولی فقیه و معاف از پرداخت بخشی و یا کل مالیات، درآمد مالیاتی دولت را از دسترنج ناچیز طبقه کارگر و زحمتکشان و همچنین آسیب‌پذیرترین لایه‌های تهی دست جامعه تأمین می‌کند.

مخالفت با همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و سایر زحمتکشان، یکی دیگر از سیاست‌های به‌غایت ضد کارگری در "برنامه هفتم توسعه" است که به محدودیت و کاهش دستمزد زحمتکشان و گسترش و تشدید فقر منجر می‌شود. در نتیجه پس از ده‌ها سال کار طاقت‌فرسا، بسیاری از زحمتکشان در دوران اشتغال و بازنشستگی امیدی به داشتن یک حداقل حقوق بازنشستگی متناسب با هزینه سبد معیشت را ندارند. دولت برگمارده ولی فقیه عنوان کرده است که منابع مالی برای این کار ندارد و به‌دلیل محدودیت‌های مالی نمی‌تواند همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را انجام دهد. نبود منابع مالی برای متناسب کردن حقوق بازنشستگی با تورم، درحالی که نهادها و

۱. مالیات تکلیفی بدین معناست که شناسایی مبلغ و پرداخت مالیات حقوق پرسنل به‌عهده پرداخت‌کننده حقوق یعنی کارفرما است و پرسنل در قبال مالیات بر درآمد حقوق دریافتی نقشی ندارند. کارفرماها پس از انجام محاسبه مالیات حقوق، مبلغ مالیات را از دستمزد کم می‌کنند و به ارگان‌های دولتی تحویل می‌دهند.

ادامه پویه پیدایش سندیکاهای کارگری ...

سندیکایی طی دوران مورد اشاره عبارتند از: رشد طبقه کارگر و افزایش نقش آن در تولید و نتیجتاً در حیات سیاسی و اجتماعی، رشد اتحادیه‌های کارگری و ارتقای کمی و کیفی آن‌ها در پیوند درونی و ارگانیک با حزب کمونیست ایران و مبارزه بی‌امان صنفی و سیاسی و تلفیق صحیح آن‌ها با یکدیگر در عرصه مبارزه طبقاتی. طی این دوران طبقه کارگر گرچه جوان و کم‌تجربه است، اما حضور فعال و مؤثری در مبارزه سراسری ملی، ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری، و دمکراتیک دارد.

نیازهای تاریخی و اجتماعی پشتوانه اصلی بقای جنبش کارگری بوده‌اند. به همین دلیل سرکوب و وقفه‌های ناگزیر هیچ‌گاه مانع حضور و آبدیگی جنبش کارگری و سندیکایی نشدند. پس از سرکوب شدید و خشن و یک دوران سکون، جنبش کارگری و سندیکایی بار دیگر در سال‌های دهه ۱۳۲۰ خورشیدی اوجی نو می‌یابد.

پایان بخش چهاردهم - ادامه دارد

ادامه پیامد خصوصی‌سازی: اخراج ۳ هزار تن

اسفندماه امسال حکم صادر شود؛ قضات همچنین باید تصمیم بگیرند که آیا "تفسیر معتبر" صادر شده توسط دولت از طریق فرمان قانونی را بپذیرند یا نه، قانونی که طبق آن دولت تلاش می‌کند قرارداد فروش دارایی‌های چند ده میلیونی را به مبلغ ۱ (یک) یورو اعلام کند و در واقع شرکت را منحل کند.

مقاومت شدید کارگران آلیتالیا سزاوار نهایت احترام است و نه اعلامیه‌های ریاکارانه؛ اگر این بازیگران واقعاً می‌خواهند این وضعیت جنجالی را تغییر دهند باید در این شرایط رسوا کارهایی مشخص انجام دهند. هیچ وقت برای تغییر مسیر دیر نیست، اما زمان اقدام به سرعت رو به اتمام است. برای کارگران آلیتالیا زمان اقدام اکنون است همان‌طور که اتحادیه یو-اس-بی در طی دو سال گذشته هرگز اقدام‌های اعتراضی‌اش را متوقف نکرده است.

شروع روند اخراج را می‌توان آخرین اقدام در تاریخ آلیتالیا دانست، شرکت هوپیمایی‌ای که از سال ۱۹۴۷ / ۱۳۲۶ در تاریخ این کشور حضور داشته توسط سیاست‌های دولت مردان ایتالیا دچار خفگی شده است تا بازار حمل‌ونقل هوایی ایتالیا را در اختیار رقبای اروپایی خود قرار دهند، آنانی که سال‌هاست از این راه از بازارهای ایتالیا ده‌ها میلیون یورو سود برده‌اند.

[منبع نقل و برگردان به فارسی: سایت "فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری" - ۲۳ آذرماه ۱۴۰۲].

<https://www.wftucentral.org/italy-usb-alitalia-last-act-almost-three-thousand-layoffs/>

فاجعه جان‌باختن پنج کارگر در تلمبه‌خانه کوه‌دشت لرستان: جان کارگر بی‌بهاست!؟

رئیس روابط عمومی شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران خبر اسفناک جان‌باختن پنج کارگر شاغل در شرکت پیمانکار "ارگ سازان ناوه" را در ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ اطلاع‌رسانی کرد. بار دیگر در اثر عدم وجود شرایط ایمنی در محیط کار در میهن ما پنج کارگر جوان که با هزاران امید به زندگی و آینده و شوق بازگشت به آغوش خانواده‌شان پس از پایان تلاش و کار روزانه عازم محل اشتغال خود شده بودند، در همان روز در محل کار جان خود را باختند. این کارگران جوان در حین لایروبی مخزن ۲۰ میلیون لیتری نفت خام در ایستگاه تلمبه‌خانه نفت "برداسپی" در کوه‌دشت لرستان (واقع در منطقه شیرواند) در اثر نبود شرایط ایمنی از جمله وجود نداشتن تجهیزات مناسب ایمنی به‌منظور استفاده صحیح از آن‌ها برای ورود به فضاها و مخزن‌های پوشیده که غالباً حاوی گازهای سمی هستند، در اثر استنشاق گاز سمی سولفید هیدروژن جان خود را از دست دادند. در ابتدا دو کارگر پس از ورود بدون تجهیزات ایمنی به مخزن نفت خام بیهوش شدند و جان باختند و سه کارگر دیگر هم که بدون تجهیزات ایمنی به کمک آنان شتافتند نیز جان باختند.

قاعدتاً می‌باید بخش سلامت، ایمنی، و محیط زیست کارفرمای اصلی یعنی شرکت خطوط لوله از نوع تجهیزات لازم و پیگیری شرایط لازم برای جلوگیری از بروز چنین حوادثی مطلع بوده باشد. شرایط لازم برای ایمنی لایروبی مخزن‌های نفت خام شناخته شده است که از جمله آن‌ها شناخت از فرآورده‌های پاکسازی در پاکسازی قبلی، شرایط و شکل ظاهری مخزن، توانایی رهاسازی بخار، گاززدایی، هوادهی مخزن، و عملیات لازم در این زمینه است. همچنین اطمینان می‌باید یافت که سنجش درصد بخارات اشتعال‌پذیر انجام شده است. از آزمایش‌های دیگر برای ورود به مخازن برای لایروبی این است که فرد واجد صلاحیت را به پایش هوای بیرون و درون مخزن در حین گاززدایی و هوادهی به‌جهت اطمینان از نبودن میزان بخارات سمی و اشتعال‌پذیر بالاتر از حدود مجاز و پذیرفتنی ملزم کند.

در تمام این گونه موارد وجود شرایط ایمنی از مسئولیت‌های شرکت پیمانکار و شرکت خطوط لوله نفت است. شرکت پیمانکار "ارگ سازان ناوه" که صرفاً یک شرکت خصوصی پیمانکاری است و بخش اصلی هیئت مدیره آن را خویشاوندان رئیس هیئت مدیره تشکیل می‌دهند، قبل از هر اقدامی می‌بایست از عملکرد کارکنان طبق شرایط ایمنی مطمئن می‌شد و در نبود این شرایط، در هیچ حالتی ورود کارگران به مخزن نفت خام نباید انجام می‌گرفت. از طرفی دیگر شرکت خط لوله نفت باید توضیح دهد که چرا این بخش از وظایف کاری بسیار پرمخاطره را به شرکت پیمانکار محلی‌ای فاقد تخصص‌های لازم ارجاع کرده است؟ چه روابطی باعث شده است که شرایط ایمنی برای کار و جان کارگران جوان فدای سوداندوزی پیمانکار بی‌مسئولیت و نالایق شود؟ اصولاً در چنین شرایطی کارفرما مستقیماً مسئول جان‌باختن کارگران است، چرا که با وجود تجهیزات ایمنی و مدیریت لازم برای کاربرد صحیح این تجهیزات جلوگیری از چنین فاجعه‌ای امکان‌پذیر است.

مطابق ماده ۹۱ قانون کار، کارفرماها و مسئولان واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون مکلفند بر اساس مصوبات شورای عالی حفاظت فنی برای تأمین حفاظت و سلامت و بهداشت کارگران در محیط کار وسایل و امکانات لازم ایمنی را تهیه و در اختیار آنان قرار داده و چگونگی کاربرد وسایل فوق‌الذکر را به آنان بیاموزند و در خصوص رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی نظارت کنند. افراد مذکور نیز به استفاده و نگهداری از وسایل حفاظتی و بهداشتی فردی و اجرای دستورالعمل‌های مربوط به کارگاه ملزم هستند. شواهد موجود و اخبار منتشر شده نشان می‌دهد که حادثه کوه‌دشت یک واقعه‌ای منحصر به فرد و استثنایی برای کارگران در بخش‌های صنعتی میهن ما نبوده و نیست و همواره با نمونه‌هایی گوناگون از اجرا نشدن حتی محتویات قانون کار فعلی در مورد شرایط ایمنی در محیط کار روبرو هستیم. برای نمونه، در ۲۱ آذرماه فقط چند روز پس از واقعه کوه‌دشت، حادثه گاز گرفتگی در واحد تولید آرکوپال (کارخانه ظروف ملامین) در راوند کاشان خبرساز شد، حادثه‌ای که طی آن نیز ده‌ها نفر از کارگران زن در دو روز متوالی به مسمومیت تنفسی دچار شدند. همه این فجایع ناشی از اجرای برنامه تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی‌های گسترده است که طی آن امنیت شغلی و جان کارگران و زحمتکشان مطلقاً اهمیتی قائل نمی‌شوند.



توضیحات:
شرکت تولیدات مواد غذایی و گوشت مرغ (آر-سی-ال) یا ۲۱ هزار کارگر و کارمند یکی از شرکت‌های بزرگ آفریقای جنوبی در این صنعت است.



مبارزه کارگران آفریقای جنوبی علیه نقض حقوق و آزادی‌های سندیکایی

کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو) در شهر کاوا زولو- ناتال از اعتراضات صنعتی اتحادیه هم‌وُند خود- اتحادیه دموکراتیک کارگران مواد غذایی و کشاورزی (ا-اف-ا-دی-دبیلیو-یو) - علیه شرکت تولیدی مواد غذایی و گوشت مرغی (آر-سی-ال) حمایت می‌کند.

این اعتصاب علیه تضعیف و قبحانه حقوق کارگران، حق برخورداری از قرارداد دسته‌جمعی و آزادی پیوستن کارگران به اتحادیه می‌باشد. ما عمیقاً معتقدیم که شرکت بزرگ تولید مواد غذایی (آر-سی-ال) از حربه غیرقانونی پورش به اتحادیه استفاده کرده تا کارگران را از سازماندهی در اتحادیه‌های خود منصرف کند. ما از طریق اتحادیه هم‌وُند خود با خبر شدیم که این شرکت به‌طور غیرقانونی حق سازمان‌یابی کارگران را لغو کرده است تا از این طریق حقوق قانونی آنان را تضعیف و استثمار را تشدید کند. موضوع اعتراض در کمیته داوری و میانجیگری به رسمیت شناخته شده و به اتحادیه مجوز اعتصاب را داده است. شرکت به دادگاه کار مراجعه کرده تا این حکم را لغو کند تا کارگران از اعتصاب منصرف شوند و دادگاه این درخواست را رد کرده است. این کاملاً عجیب است که کارفرما برای مبارزه با حقوق قانونی کارگران - حقوقی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است- خود را آماده کرده است. با در نظر گرفتن مشکلات پیش روی شرکت که می‌توانست آن را به ورشکستگی بکشاند. در صورتی که شرکت می‌توانست این امکانات را به‌نحوی مطلوب به‌منظور توسعه شرکت یا بهبود وضع کارگران به‌کار گیرد. کوساتو با در نظر گرفتن این واقعیات و با همدردی با کارگران و به‌سهم خود در حل مسئله نقش داشته است.

کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی از کارگران می‌خواهد که با روحیه همبستگی برای دفاع از حقوق کارگران متحد شده، و ما همیشه گفته‌ایم که "صدمه به یکی، صدمه به همه ما است". ما از کمیته‌های کارگری منطقه می‌خواهیم که از مبارزات این کارگران حمایت کنند و از کارفرما می‌خواهیم که از استفاده از حربه "تفرقه بینداز و حکومت کن" اجتناب کند. همچنین ما از کارفرما می‌خواهیم که میزان انتظارش را کم کرده و با کارگران و هیران اتحادیه صادقانه مذاکره کند تا از این حرکت اعتراضی صنعتی اجتناب گردد.

رهبری کوساتو برای پیدا کردن راه‌حلی مناسب متعهد بوده و باید با اتحادیه در صف‌های اعتراض کنندگان و برای دفاع از حقوق کارگران همکاری کند.

ادوین مخیزه، دبیر استانی "کوساتو".
[منبع نقل و برگردان به فارسی: سایت "کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی" - ۱۷ آذرماه ۱۴۰۲].

یادمانده خصوصی سازی: اخراج ۳ هزار تن از کارکنان شرکت هواپیمایی "آلیتالیا"

روند اخراج حدود ۳۰۰۰ کارگر توسط شرکت آلیتالیا خبری دور از انتظار نبود: این فقط پایان یک کشتار واقعی است که از سال ۲۰۲۱ / ۱۴۰۰ با ایجاد "شرکت هوایی آلیتالیا" (ای تی ا)، خطی هوایی که دولت ایتالیا صد درصد مالک آن بوده است، و این امر به دنبال توافق امضا شده در ۲ دسامبر ۱۱ آذرماه توسط اتحادیه‌های همکاری کننده که تمامی شرایط اعمالی و توهین آمیز آقای دراگی، نخست‌وزیر و مدیر آلتاویلا، را قبول کردند. این اتفاق بعد از سال‌ها مبارزات شدید کارکنان شرکت آلیتالیا رخ داد و آنان توانسته بودند برای مدتی طولانی جلو چنین اقدام‌هایی را بگیرند و این درست در زمانی اتفاق افتاد که کنفدراسیون عمومی کارگران ایتالیا (سی-جی-آی-آل) و کنفدراسیون اتحادیه‌های ایتالیا (سی-آی-اس-آل) و اتحادیه کارگری ایتالیا (یو آی ال) تسلیم شدند.

تحت نام قانون؛ عدم ادامه برنامه که توسط ورستاکر، کمیسر "ضد انحصار" اتحادیه اروپا، با پیروی از منطق شرکت‌های "خوب" و "بد"، کارگران آلیتالیا توسط مدیران "به اصطلاح انتخاب" شدند تا هواپیماهای خود را و با یونیفورم‌ها و سازماندهی خودشان به پرواز دریاورند، از سیستم تبعیض آمیز و مبتنی بر روابط در شرکت آلیتالیا آسیب‌هایی جدی دیدند و نصف پرسنل کار و شغل خود را از دست دادند. از همان موقع هزاران کارمند آلیتالیا در چارچوب طرح حمایت از درآمد شرکت از کار بیکار شدند و در مرحله نخست ۸۰ درصد و در مرحله دوم به ۶۰ درصد در سال ۲۰۲۳ / ۱۴۰۲ رسید. همان طرح ادامه یافت و در ادامه این تغییرات خدمات سرویس دهی به شرکت و سوسپ پورت و خدمات تعمیراتی به شرکت آنتیک واگذار گردید. به‌رغم شکایت هزاران کارگر به دلیل عدم توانایی استفاده از حمایت‌های اجتماعی مقرر در قوانین اتحادیه اروپا، همراه با اعتراضات انجام شده توسط یو-اس-بی و دیگر اتحادیه‌های مبارز، سرانجام دولت ملونی عملیات شرکت آلی-تی-آرا پذیرفت و حمایت مالی را تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۴ / آبان ۱۴۰۳ تمدید کرد. با ادامه این روش‌ها در واقع برای ۳ هزار کارگر باقی مانده تا اول نوامبر ۲۰۲۴ / آذر ۱۴۰۳ نامه‌های اخراجی صادر خواهد شد.

صدور اعلامیه حمایتی از طرف اتحادیه‌های سه گانه (سی-جی-آی-آل، سی-آی-اس-آل، یو آی ال)، که چنین فاجعه‌ای را موجب گشته‌اند، نپذیرفتنی و مشمئز کننده است.

هنوز هزاران درخواست از طرف کارگران در دادگاه‌های ایتالیا برای درخواست حمایت‌های اجتماعی نیمه‌تمام مانده است که قرار است تا فوریه سال ۲۰۲۴ /

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org
آدرس های اینترنت و «ای-میل»
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۸۰
Nameh Mardom - Workers Supplement No.80

1 January 2024

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

